



# سیاست حبس‌زدایی در پرتو تحولات قانونی نهاد تخفیف مجازات در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و مقایسه تطبیقی آن با حقوق انگلستان

علیرضا امام دادی<sup>۱</sup>  
محمد علی طاهری<sup>۲</sup>  
علیرضا عزیزی<sup>۳</sup>  
سید حسن هاشمی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

## چکیده

تخفیف مجازات که یکی از ابزارهای موثر سیاست جنایی در اجرای اصل فردی کردن مجازات، اثر بخشی بیشتر و دست‌یابی به اهداف اصلاحی و درمانی کیفر محسوب می‌شود، در آخرین تحولات سیاست جنایی تقنینی که در اثر ازدحام زندان‌ها که ثمره افزایش جمعیت کیفری و سیاست حبس‌گرا بوده است، به ابزاری در جهت کمینه‌گرایی از رهگذر زندان‌زدایی و تراکم جمعیت زندان مبدل شده است. هر چند این تحولات در راستای رویکرد «حبس‌زدایی» رقم خورده است، اما این مسئله نمی‌تواند سرپوشی بر فرآیند «حبس‌گرایی در قانونگذاری کیفری» و فقدان وجود ضوابطی دقیق برای تعیین مجازات حبس در ایران باشد. پژوهش حاضر مبین آن است که نتیجه چنین رویکردی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ مجلس شورای اسلامی، هرچند ممکن است تا حدودی در کاهش حبس‌گرایی قانونی و قضائی موثر باشد، اما این نتیجه نمی‌تواند نافی چالش‌های عدم

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران.

Email: a65ed@yahoo.com

<sup>۲</sup> دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول):

Email: mtaheri@birjand.ac.ir

<sup>۳</sup> دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران.

Email: aazizi30@gmail.com

<sup>۴</sup> دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران.

Email: hashemi600@yahoo.com

تعیین سازگار نظارت بر اعمال اختیارات قضائی در مقام تخفیف مجازات، ابهام در امکان یا عدم امکان تبدیل برخی مجازات‌های تعزیری به حبس در مقام تخفیف مجازات و عدول از ضابطه مند سازی تخفیف در فرض تعدد و تکرار جرم باشد. این نتیجه حاکی از آن است که سیاست‌گذاری‌های ارفاقی در تصویب قوانین کیفری ایران بیشتر از آنکه مبتنی بر یافته‌های علمی و ارزیابی سیاست کیفری پیشین باشد، ریشه در اضطرار و ناچاری دارد. این در حالی است که در مقام مقایسه با حقوق کیفری انگلستان مشخص می‌گردد این کشور با تعیین سیاست دوگانه «کاهش جمعیت کیفری - پیشگیری کیفری» و تعریف ضوابطی ناظر بر تعیین مجازات حبس به عنوان شدیدترین مجازات در این کشور، با توجه به نقش نهاد «تخفیف مجازات» در تعیین «شدت جرم» و توجیه «ضرورت حمایت از عموم» در مرحله قانونگذاری، و احراز «حالت خطرناک» در مرحله کیفردهی، به دنبال دوری جستن از «حبس‌گرایی» است تا «حبس‌زدایی». دست آورد حاصل از این پژوهش مبین آن است که گفتمان «حبس‌زدایی» در سیاست جنایی ایران بایستی مبتنی بر یافته‌های جرم‌شناختی و کیفرشناختی باشد تا بتواند در بحران افزایش جمعیت کیفری زندان موثر واقع شود. در غیر این صورت تصویب قوانین چون قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به تنهایی چاره ساز نخواهد بود. لذا ابهام‌زدایی از تحولات نهاد تخفیف مجازات و پیش‌بینی سازوکاری مانند حقوق انگلستان جهت توجیه ضرورت اعمال مجازات حبس به عنوان مجازاتی شدید در کنار توجه به ضرورت حمایت از منافع عمومی در کنار کاهش جمعیت کیفری زندان و توجه به اصل «عدم تحمیل مسئولیت‌های مضاعف بر حقوق کیفری» در قانونگذاری‌ها نیز پیشنهادها حاصل از این پژوهش است.

## کلید واژه‌ها

حبس‌زدایی، حبس‌گرایی، تخفیف مجازات، کیفردهی.

## مقدمه

پس از اینکه مجازات حبس به عنوان اصلی‌ترین مجازات به زرادخانه کیفری وارد شد و آزادی تن به عنوان اصلی‌ترین حق مشمول محدودیت قرار گرفت، آثار سو این مجازات مورد توجه حقوقدانان، جرم‌شناسان و کیفرشناسان واقع شد. (آشوری، ۱۳۹۴: ۳۸) یکی از مهم‌ترین آثار سو این مجازات، تأثیر مخربی است که بر اقتصاد خانواده و به تبع آن اقتصاد جامعه دارد. از سویی، امروزه با اینکه تلاش‌های فراوانی برای بهبود وضعیت زندان صورت گرفته است، اصلاح و درمان بزهکاران که به عنوان یکی از اهداف اصلی این مجازات مورد توجه بود، با تردیدهای چندی روبه‌رو شد و تجربه به مدد آمار تکرار جرم نشان داد ارتکاب مکرر جرم به صورت حرفه‌ای بیشتر توسط کسانی که سابقه زندان داشته‌اند، اتفاق می‌افتد (غلامی، ۱۳۸۲: ۲۹۶) و این مجازات اگر نگوییم باعث بازپروری مجرمان نمی‌شود، لاقبل به دلیل اینکه «برنامه‌های اصلاح و درمان» احتمالاً بر اساس نظریه‌های ناقص شکل گرفته‌اند یا اجرای

این برنامه‌های دارای کیفیت مناسبی نبوده یا از تکنیک‌های مداخله‌ای نامناسب استفاده شده است، (الله وردی میگوئی، ۱۳۹۹: ۳۱۰) در انتقال فرهنگ بزهکاری به مجرمان تازه کار و تبدیل آنها به مجرمان حرفه‌ای نیز مؤثر بوده است (مک شین و ویلیامز، ۱۳۸۱: ۱۶۰) از طرفی مطالعات کیفر شناسان و جرم شناسان نشان داده است که تاکید بیش از حد بر استفاده از مجازات حبس، برای مجرمان و جامعه آثار مثبتی به دنبال ندارد. از جمله آثار سوء این مجازات تاثیر مخربی است که بر اقتصاد خانواده و به تبع آن اقتصاد جامعه دارد. همچنین بالا بودن تعداد زندانیان و تورم جمعیت کیفری و تحمیل هزینه‌های کلان به بودجه عمومی مشکلاتی را در زمینه اداره امور زندان چون کاهش اثر بخشی برنامه‌های اصلاحی به دنبال داشته است.

سیاست جنایی ایران در پاسخ به پدیده بزهکاری تحولات فراوانی داشته که در سال‌های اخیر آشکارا متأثر از مشکلات عملی دستگاه عدالت کیفری به ویژه بحران ناشی از تورم جمعیت کیفری زندان بوده است که تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ آخرین و تازه‌ترین تلاش قانونگذاری ایران برای تعدیل مجازات ها، کاهش مجازات حبس تعزیری و گسترش نهادهای ارفاقی است.<sup>۱</sup> یکی از تدابیر اتخاذی قانونگذار در این قانون به منظور کاهش مجازات حبس تعزیری، تسهیل و گسترش دامنه اعمال نهاد تخفیف مجازات است. به عبارت دیگر هدف قانونگذار از این رویکرد تاثیر گذاری بر کیفردهی به عنوان فرآیندی که به دنبال تحمیل مجازات حبس بر مجرم است، بوده تا از این رهگذر مدیریت جمعیت کیفری زندان را نیز تامین نماید. لذا، تخفیف مجازات را می‌توان نهادی دانست که در آن قانونگذار در راستای تحقق بخشی حداکثری به اصل فردی کردن مجازات با رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات، با ملاحظاتی از قبیل اوضاع و احوال جرم ارتكابی و نتایج حاصله، مجازات آن، شخصیت مرتکب جرم، با توجه به تعیین مجازات بین حداقل و حداکثر، با اعطای اختیاراتی به قضات اجازه تعیین مجازات به میزان کمتر از حداقل مجازات قانونی یا تبدیل آن را می‌دهد.<sup>۲</sup>

از طرفی واقعیت این است که در نظام کیفردهی انگلستان تا قبل از قرن دوازدهم نمی‌توان از کیفر سالب آزادی به عنوان کیفری که با ضوابطی نظام مند مورد حکم واقع می‌شود سخن گفت و حتی به

<sup>۱</sup> بر اساس برخی آمارها بیش از ۹ میلیون نفر در سطح زندان های دنیا محبوسند که ۳۶ درصد این افراد در قاره آسیا، ۳۳ درصد در آمریکا، ۲۰ درصد در اروپا، ۱۰ درصد در آفریقا و کمتر از ۱ درصد در اقیانوسیه هستند. (اصغری، زهرا، حبس‌زدایی و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۱۰، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۳: ص ۳).

<sup>۲</sup> جهت آشنایی بیشتر با مفهوم تخفیف مجازات ر. ک: رضوی، محمد، «جرائم و مجازات نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح»، تهران، انتشارات هستی نما، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، ص ۴۱، آقائی نیا، حسین، «تخفیف مجازات سلطنت مطلق یا اختیار مقید»، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمدآشوری، چاپ اول، تهران، انتشارات علوم جنایی، ۱۳۸۳، ص ۳، احمدزاده، رسول و مجتبی تام، «ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۹، ص ۵۲.

زعم برخی نگهداری افراد در مکان‌های مقفل را نیز نمی‌توان در راستای اجرای «کیفر سالب آزادی» در نظر گرفت. با این حال از دهه ۱۲۶۰ و پس از آن تعداد زندان‌های انگلستان و جرم‌هایی که منجر به حبس می‌شد به شدت افزایش یافت. تا سال ۱۵۲۰ یکصد و هشتاد جرم که کیفر حبس را در پی داشت در حقوق کامن لا به وجود آمد. (o. f. Robinson; 2013: p120) از نیمه قرن هجدهم با وجود احیای کیفرهای دیگر، استفاده از مجازات حبس، سیر صعودی به خود گرفت. در دهه‌ی ۱۷۹۰، حبس، مجازات دو سوم جرایم را تا اواخر قرن ۱۹ شامل می‌شد. بدین ترتیب مجازات حبس در انگلستان تا اواخر قرون جدید تثبیت شد. ویژگی اواخر قرن نوزدهم، دگرگونی عمیق در خط و مشی اعمال کیفرهاست. با ارزش یافتن بیشتر آزادی، مجازات حبس به عنوان یکی از سنگین‌ترین مجازات‌ها شناخته شد و این امر باعث گردید که در دهه‌های اخیر توجه بیشتری به ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی در انگلستان شود و به صورت دقیقتر و صریحتر، این ضوابط پای به مواد قانونی و قوانین جزایی انگلستان نهند. با رویکردی جدید که از اوایل دهه ۹۰ میلادی با تصویب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ و متعاقب آن در قوانین بعدی از جمله قانون اختیارات کیفری سال ۲۰۰۰ و قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ در این کشور اتخاذ شد، هر چند مبنای تعیین کیفر را سزاگرایی قرار داده است، در عین حال به دنبال ضابطه مند کردن تعیین کیفر سالب آزادی به عنوان مجازاتی که در راس هرم مجازات‌های قابل اعمال در این کشور می‌باشد نیز بوده است. از جمله این تلاش‌ها، توجه به رعایت اصل «تناسب بین جرم و مجازات» در تعیین مجازات حبس در این کشور است. به گونه‌ای که به گفته برخی از اندیشمندان «عدم امکان رعایت کامل تناسب نباید باعث شود کل تناسب را رها کنیم؛ بلکه همچنان باید به دنبال تناسب بود و در عین حال محدودیت‌های آن را پذیرفت» (Ashworth, 2016, 380) در این سیاست نوین نهاد تخفیف مجازات در راستای ضابطه مند سازی تعیین کیفر سالب آزادی و رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات نقش پویایی دارد. که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

در خصوص چرایی انتخاب این الگوی قانونی جهت مطالعه تطبیقی با حقوق ایران می‌توان گفت، همان طور که ملاحظه گردید انگلستان نیز مانند ایران با بحران افزایش جمعیت کیفری زندان مواجه بوده است و برای مدیریت این مسئله به سمت رویکرد «ضابطه مند سازی» اعمال مجازات حبس روی آورده است و نهادهایی چون تخفیف مجازات نیز در این سیاست تاثیر گذار است. از طرفی در ایران همان طور که اشاره شد بر اساس آخرین اراده قانونگذار سیاست «کاهش اعمال مجازات حبس تعزیری» برای مقابله با بحران افزایش جمعیت کیفری زندان در پیش گرفته شده است که در این سیاست به نهاد «تخفیف مجازات» نیز توجه گردیده و به همین جهت از منظر نقشی که می‌تواند این نهاد بر مدیریت جمعیت کیفری زندان در دو الگوی «ضابطه مند سازی اعمال مجازات حبس» و «کاهش اعمال مجازات حبس تعزیری» داشته باشد، در این پژوهش تطبیقی سعی شده در تحلیل رویکرد کاهنده مجازات حبس از طریق اعمال نهاد تخفیف مجازات، موضع حقوق انگلستان نیز مورد بررسی واقع شود.

حال که قانونگذار در تحولات اخیر مقررات کیفری با هدف کاهش جمعیت کیفری زندان نهاد تخفیف مجازات را نیز دستخوش تغییراتی نموده است، سؤالاتی که این نوشتار به دنبال پاسخ گویی به آن است عبارت است از:

۱- نهاد تخفیف مجازات در راستای سیاست حبس زدایی در دو کشور ایران و انگلستان چه کارکردی دارد؟

۲- نهاد تخفیف مجازات در سیاست جدید قانونگذار کیفری در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با چه تحولات و چالش‌هایی مواجه است؟

روش تحقیق مورد استفاده از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و بدین منظور پس از بررسی جایگاه حبس زدایی در سیاست جنایی و نهاد تخفیف مجازات در بستر اندیشه‌ها و اصول حقوق کیفری، تحولات قانونی این نهاد در راستای حبس زدایی با تاکید بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بررسی شده و از باب مطالعه تطبیقی جایگاه این نهاد در نظام حقوقی انگلستان نیز مورد واکاوی قرار گرفته است.

## ۱- جایگاه حبس زدایی در سیاست جنایی تقنینی

استفاده از یک محیط معین با نتایج مشترک به نام زندان برای تمامی جرائم و مجرمان آسیب‌زا است. به ویژه در مورد آن دسته از افرادی که جرائم آنان کوچک است یا در آستانه انحراف قرار دارند. به گونه‌ای که بیشترین افزایش جرایم ارتكابی، پس از اولین بار زندانی شدن، برای این گروه رخ می‌دهد. چرا که تاثیر زندان در پذیرش خرده فرهنگ مجرمانه از طرف زندانی نسبتاً قابل توجه است. و به اعتقاد برخی بیش از ۶۰ درصد مجموع افرادی که پس از گذراندن محکومیت از زندان آزاد می‌شوند به فاصله چهار سال پس از ارتكاب جرائم اولیه شان دوباره دستگیر می‌شوند. (گیدز، ۱۳۷۷: ۱۵۸)<sup>۱</sup> زندان، عادت و نگرش‌های جدیدی به بزهکاری می‌دهد، به طوری که به جای بازپروری و بالارفتن سازگاری وی با جامعه، جدایی و شکاف بین مجرم و جامعه افزایش می‌یابد. (معظمی، ۱۳۷۹: ۳۷) از آنجائیکه سیاست جنایی تقنینی به عنوان مجموعه‌ای از تدابیر، رویکردی کنشی یا واکنشی جهت مبارزه با پدیده مجرمانه محسوب می‌شود و افزایش جمعیت کیفری می‌تواند از جمله نتایج اعمال مجازات حبس به منزله یکی از مهم‌ترین تدابیر علیه جرم به شمار آید، اتخاذ سیاست‌هایی جهت حل معضل افزایش جمعیت کیفری از طریق قانونگذاری یکی از رسالت‌های سیاست جنایی است. لذا حبس‌زدایی را می‌توان به عنوان یکی از رویکردهای سیاست جنایی تقنینی دانست که با توجه به عدم موفقیت قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران در

<sup>۱</sup> براساس آمار Brief Prison World در سال ۲۰۲۱ ایران با ۱۹۰ هزار نفر زندانی دهمین کشور با بیشترین تعداد زندانی در جهان شناخته شد. <https://tejaratnews.com/training/>

رسیدن به اهدافی که از اجرای مجازات زندان داشته اند، آنان را به سمت تجدیدنظر در سیاست‌گذاری راجع به مجازات حبس سوق می‌دهد. به عبارت دیگر حبس‌زدایی یکی از آثار کیفرزدایی است که امروزه در سه رویکرد «فرایندی» «کامل» و «جزیی» دنبال می‌شود. در کیفرزدایی فرایندی مسیر رسیدگی‌های قضایی به گونه‌ای مدیریت می‌شود که در نهایت، منجر به محکومیت کیفری و اعمال مجازات نشود که از آن تعبیر به «قضازدایی» نیز می‌شود. در کیفرزدایی به طور کامل، حذف کیفر مدنظر می‌باشد و در کیفر زدایی جزئی با توسل به «محدودسازی قانونی» به دنبال آن است که مجازات یک جرم به لحاظ کیفیت یا کمیت در قانون تعدیل شود و یا با «محدودسازی قضایی» با توسل به سازکارها و نهادهای قانونی، دادرس به طور اختیاری یا اجباری کیفر قانونی را مورد جرح و تعدیل قرار می‌دهد. (صادقی، ۱۳۹۷: ۳۶-۴۰) بنابراین توسل به نهاد تخفیف مجازات به عنوان یکی از شیوه‌های حبس‌زدایی که در تحولات قانونی بدان پرداخته شده است را می‌توان نوعی سیاست «تعدیل کیفری» به شمار آورد که به موجب آن سعی می‌شود از تجویز و تعیین مجازات حبس جلوگیری شده یا از سایر واکنش‌ها به جای مجازات حبس استفاده شود.

## ۲- نهاد تخفیف مجازات در بستر اندیشه‌ها و اصول حقوق کیفری

مجازات در فراز و فرود گذر زمان بر سه پایه اساسی قربانی جرم، جرم و مجرم استوار بوده است؛ از میان این سه سمت گیری، پیش از قرن هجدهم بیشترین تکیه بر رویکرد نخست بود. (پرادل، ۱۳۹۹: ۱۷) یعنی همه دغدغه در قلمرو مجازات را پوشش دهی آسیب‌ها و زیان‌های وارده بر قربانی جرم تشکیل می‌داد. اما تحولات بعدی موجب تعدیل این رویکرد و ظهور افق‌های نوینی در حقوق کیفری شد که مکتب دفاع اجتماعی از جمله پیشگامان آن است. دفاع اجتماعی شامل مجموع تدابیر آموزشی، اصلاحی، درمانی است که متناسب با درجه خطرناکی و شخصیت بزهکار و به منظور بازپروری وی برای جلوگیری از تکرار جرم صورت می‌گیرد. نخستین گام‌ها در بارور شدن اندیشه دفاع اجتماعی نوین در کشانده شدن کانون توجه حقوق جزا از جرم به مجرم را به وسیله مکتب تحقیقی می‌توان ردیابی کرد (آنسل، ۱۳۹۵: ۳۱) لذا از نگاه این مکتب بر پایه مختصاتی چون جای دادن جرم در ردیف پدیده‌ای انسانی - اجتماعی و مخالفت با جای دادن بزهکار در گروه‌های از پیش تعیین شده، جوهر قضایی نداشتن جرم و مجرم و لزوم توجه به شخصیت بزهکار، توجه به عوامل کاهنده مجازات در زرادخانه مقررات کیفری را اجتناب ناپذیر می‌سازد.

البته ظهور اندیشه مکتب دفاع اجتماعی خود سرآغاز مباحث گوناگونی در خصوص مهندسی کیفر گزینی شده است. در مرحله تعیین مجازات دو اصل «تناسب مجازات با جرم» و «تناسب مجازات با مجرم» مطرح است. اصل اول با الهام از مفاهیم استحقاق و سزادهی معتقد است هر کس باید متناسب با

شدت جرمش مجازات شود و دومی تحت تاثیر اندیشه دفاع اجتماعی و رویکرد مجرم محور معتقد است مجازات نه تنها باید با جرم متناسب باشد، بلکه تناسب آن با شخصیت مجرم نیز ضروری است.<sup>۱</sup>

در نظامی مانند نظام کیفری انگلستان که دیدگاه جزادهی جدید از دهه ۹۰ م تاکنون مبنای تعیین مجازات صورت گرفته و تا حدودی بنا بر عدالت استحقاقی یا محافظه کارانه قرار دارد، به زعم برخی در تقابل با اصل فردی سازی مجازات است. (یزدیان جعفری، ۱۳۸۵: ۴۲). هر چند طرفداران آن معتقدند با این روش قواعد مجازات به عنوان یک مجموعه در نظر گرفته می‌شود و ثبات و قطعیت در نظام عمومی مجازات را ایجاد می‌کند. که این خود برخلاف دیدگاه‌های فردی سازی مجازات است که به دادگاه قدرت انتخاب وسیع داده و موجب حرج و مرج در اعمال مجازات می‌شود. (Ashorth, 2016: 384) اما در عین حال این نظام نقش مجرم و قانون در تعیین مجازات را نادیده نگرفته است؛ (سباهلی، ۱۳۷۸: ۱۸) چرا که از طرفی قانونگذار با تعیین تناسب در جرایم، و از طرفی دیگر با تفویذ اختیار به دادگاه به دنبال نتیجه‌ای درست از مجازات است؛ این موضوعی است که ماده ۱۴۲ قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ م<sup>۲</sup> به صراحت، نظام تعیین کیفر در این کشور را تعیین می‌کند. (سبزواری، ۱۳۹۶: ۱۴۵). زیرا دلایل کافی برای عدم تطابق بین شدت جرم با مبانی اولیه مجازات وجود ندارد. (Bagaric, Mirko, 2017: 182)

به نظر می‌رسد قانونگذار کیفری ایران نیز در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در صدور احکام تعزیری توجه به شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن و سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی را متذکر می‌شود.<sup>۳</sup> لذا هرچند نهاد تخفیف مجازات مبتنی بر رویکرد «فردی‌سازی مجازات» است، اما باید در اعمال آن حدود «تناسب‌سازی جرم با

<sup>۱</sup> در کشوری مانند فرانسه در راستای تحقق بخشی به رویکردهای نوین عدالت کیفری مانند عدالت ترمیمی، به جای اینکه به کیفر بزهکار توجه شود، تمرکز بر روی اصلاح آسیب‌های ناشی از بزه و نیازهای وی است. (Vanness, 1993: 252) چرا که معتقدند نظام مجازات رسانی ثابت با انتقاداتی نظیر برهم زدن انسجام حقوق جزا و ایجاد تناقض در قدرت تعقیب، قدرت بیش از حد قانونگذار و افزایش تبعیض مواجه است (Zimring, 2013: 169-172) و مجازات‌های اجباری به عنوان مانعی در مسیر فردی کردن مجازات‌ها قرار دارد. به همین جهت با اعتماد به قضات با تجربه به منظور جلوگیری از لطمه به اصل تساوی اشخاص، سعی در کاهش این آسیب دارد. (کوشا و شاملو، ۱۳۷۶: ۳۲۹) ماده ۲۴-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه ۱ به عنوان اولین ماده بخش مجازات‌ها-شیوه‌های شخصی سازی کیفر، به یک اصل راهبردی تعیین کیفر به عنوان اصل شخصی سازی در چهارچوب اصل قانونی بودن اختصاص یافته است که به قاضی اجازه می‌دهد در گزینش پاسخ متناسب کیفری حق انتخاب داشته باشد. زیرا اگر قضاوت‌های اخلاقی فردی شده با مسئله محکومیت مرتبط است، چرا همین نوع از قضاوت‌ها با موضوع مجازات مرتبط نباشند. (Tonry, 2016: 145)

<sup>۲</sup> مطابق بخش ۱ این ماده: هر دادگاهی که با متخلفی در ارتباط با جرم او برخورد می‌کند، باید به اهداف زیر برای مجازات توجه داشته باشد:

الف- مجازات متخلفان ب- کاهش ارتکاب جرم از جمله کاهش آن به واسطه اثر بازدارندگی مجازات ج- اصلاح و بازپروری مجرمان د- حفاظت از مردم ه- جبران خسارت ناشی از جرم وارده به اشخاص توسط مجرمان.

<sup>۳</sup> بند ب و ت ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی.

مجازات» نیز در نظر گرفته شود و کیفرگذاری توسط قانونگذار و کیفردهی در چهارچوب اختیارات قضایی با امعان نظر به موجبات مخفیه مجازات، بایستی با در نظر گرفتن این دو اصل باشد.

### ۳- کارکردهای نهاد تخفیف مجازات در سیاست حبس‌زدایی

یکی از مهمترین دلایلی که باعث تراکم جمعیت کیفری زندان در ایران شده است، حبس محور بودن قوانین و فرایند کیفری است که خارج شدن از این وضعیت و کاهش جمعیت کیفری زندان، اصلاح قوانین بارویکرد حبس‌زدایی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. (جوانفکر، ۱۳۸۴: ۴۵) همچنین استفاده بی‌رویه از مجازات حبس و نبود منابع مورد نیاز برای عملکرد مناسب در زندان‌ها و انتقادات روز افزون به مجازات حبس سرانجام ضرورت بازنگری در کارآیی مجازات حبس را روشن نموده است.

در خصوص تعیین مجازات حبس در انگلستان، قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ با در نظر گرفتن شرایط خاص برای مجازات‌های سالب آزادی در صدد کاهش شمار زندانیان بود. (Brownlee, 2013: 24) با وجود این قانون عدالت کیفری با مخالفت شدید رسانه‌ها و نهادهای قضائی نیز مواجه شد (Langdon and Dunbar, 2011: 144) و این مخالفت‌ها منجر به تصویب قانون عدالت کیفری سال ۱۹۹۳ گردید که این قانون معیارهای صدور حکم حبس را نیز تغییر داد. در قانون سال ۱۹۹۱ در صورت ارتکاب جرم شدید توسط فرد دارای پیشینه کیفری، مجازات حبس ملاک قرار می‌گرفت البته به این شرط که جرم دوم باید از خانواده جرم اول و در عین حال شدیدتر از آن باشد. با وجود این قانون سال ۱۹۹۳ صرف داشتن سابقه کیفری به دلیل ارتکاب هر جرمی را برای اعمال مجازات حبس کافی می‌دانست. بنابراین به نظر می‌رسد سیاست جنایی تقنینی حداقل در این دوره نسبت به کاهش توسل به مجازات حبس روی خوش نشان نمی‌دهد تا جایی که مایکل هاوارد وزیر محافظه کار کشور در این دوره بر این باور بود که: «کاهش جمعیت کیفری زندان نشان دهنده موفقیت نظام عدالت کیفری نیست. در عوض، سیاست کارایی زندان باید ملاک قرار گیرد؛ زیرا از این طریق، قاتلان و مجرمان خطرناک را از بطن جامعه جدا کرده و مانع از ارتکاب جرم توسط آنها می‌شویم» (Golgsan, 2016: 143) از طرفی سیستم عدالت کیفری انگلستان مسئول دستگیری، تعقیب، محاکمه و مجازات بزهکاران، همراه با تضمین‌های مربوط به دادرسی منصفانه است، چندان که زمینه اصلاح رفتار و کردار و در نهایت بازگشت آنان را به جامعه به ویژه از رهگذر کیفر سلب‌کننده آزادی فراهم کند. (مهرا، ۱۳۸۶: ۹۴). با این حال آشکار شدن بسیاری از موارد سوء استفاده از دادرسی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و افزایش روز افزون جمعیت زندان و در نتیجه افزایش جرائم باعث شده بود که بسیاری از مردم نسبت به سیستم دادرسی بد بین و بی‌اعتماد شوند. (Rutledge.Cavendish lawcards Series, 2019: p132) از طرفی در فرض وقوع جرم و محکومیت مرتکب و اکنش‌ها عمدتاً به صورت مجازات نمایان می‌شود. اما اعمال مجازات نسبت به همه مرتکبین نه تنها سودمند نیست، بلکه معضلاتی مثل افزایش پرونده‌ها و هزینه‌های کیفری



را به دنبال دارد. (مهرا و رودسرابی، ۱۴۰۰: ۱۱۰) این مسائل باعث شد تغییراتی در این زمینه در قوانین کیفری انگلستان روی دهد که به منظور اجرای بهتر عدالت و اصلاح رفتار بزهکار مستلزم اعمال مجازات‌های متناسب با جرم و مناسب با شخصیت مجرم است. (James and Raine, 1998: 11).

همانطور که ملاحظه گردید در حالی که به نظر می‌رسد گرایش عمومی در انگلستان به سمت مدل «کنترل جرم» یعنی سخت‌گیری کیفری است، ولی در عین حال از قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ چنین بر می‌آید که برخی از جنبه‌های مدل «بازپروری» (که نهادهایی چون تخفیف مجازات بیشتر با این مدل هم خوانی دارند) نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. (مهرا، ۱۳۸۷: ۱۰۶) یکی از ویژگی‌های سیاست تعیین کیفر در انگلستان این است که همزمان بیشتر از یک هدف را دنبال می‌کند. توجه مهم سیاست تعیین کیفر در دو دهه اخیر در انگلستان ایجاد سازش میان دو فشار متناقض «افزایش جمعیت کیفری- پیشگیری از جرم» بوده است. بنابراین ناچار بودند اطمینان حاصل کنند که توسل به مجازات‌های اجتماعی، به جای کیفر سالب آزادی، آنان را در معرض اتهام برخورد ملایم با جرم و مجرم قرار ندهد. مدیریت این دو دیدگاه که «اصل تفکیک واکنش در برابر جرایم شدید و جرایم سبک» نامیده می‌شود سیاست دوگانه تعیین کیفر را موجب شد که در عرض هم به حیات خود ادامه داد و شامل گروه‌های مختلف بزهکاران گردید. (مهرا، ۱۳۸۶: ۸۱) این سیاست بر تفکیک واکنش در برابر جرایم شدید و خفیف استوار است. به گونه‌ای که بزهکاران مضمّن و خطرناک به حبس‌های طولانی محکوم می‌شوند، و بر عکس، بزهکاران جرایم خرد به جزای نقدی یا مجازات‌های اجتماعی محکوم می‌گردند.

### ۳-۱- کارکرد نهاد تخفیف مجازات در محدودسازی قانونی تعیین مجازات حبس

همانطور که اشاره شد یکی از ویژگی‌های حقوق کیفری ایران، حبس گرا بودن قوانین و فرایند کیفری است. از این رو یکی از کارکردهایی که می‌توان برای نهاد تخفیف مجازات قائل شد، محدودسازی قانونی جهت تعیین مجازات حبس است. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به موجب بند الف ماده ۳۷ جلوه‌های تخفیف مجازات حبس صرفاً شامل «تقلیل» بود<sup>۱</sup> که به نظر می‌رسید مقنن صرفاً به منظور وضع پیش آمده در خصوص کیفر حبس به واسطه مقررات ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و از بین رفتن ابهت و اقتدار آن کوشیده بود تا به زعم خود اقتدار تضعیف شده را احیا کند.<sup>۲</sup> توضیح بیشتر

<sup>۱</sup> ماده ۳۷... الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه.

<sup>۲</sup> مجازات حبس در مقام تخفیف به موجب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ از دو جلوه «کاهش» و «تبدیلی» برخوردار بود ولی در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ گونه‌های تخفیف شامل «تخفیف» و «تبدیل» بود.

آنکه با اختیارات تفویض شده در ماده ۲۲ سابق<sup>۱</sup> رویه قضایی حاکم در سال‌های حاکمیت قانون یاد شده، در عمل به گونه‌ای عمل کرده بود که در بسیاری از موارد کیفر حبس به سه ماه و یک روز تقلیل یافته یا به سایر مجازات‌ها تبدیل می‌گردید. در چنین شرایطی مقنن در سال ۱۳۹۲ رویکرد جدیدی را اتخاذ کرده بود تا کیفر حبس بتواند کارایی و اقتدار خود را بازیابد. هر چند در آن هنگام نیز به اعتقاد برخی آن رویکرد با سیاست‌های کلی نظام مبنی بر حبس‌زدایی همسو نبود. چرا که اصولاً در مواردیکه جهات مخففه وجود دارد دادگاه باید بتواند نسبت به تخفیف مجازات تصمیم بگیرد. در چنین شرایطی محدود ساختن اختیار دادگاه در خصوص کیفر حبس که تنها قادر باشد آن را به حبس تقلیل دهد در عمل به افزایش آمار زندانیان منجر گردیده و توفیق سیاست‌های حبس‌زدایی را با چالش مواجه ساخته بود. (توجهی، ۱۳۹۶: ۷۲) این مسئله موجب شد قانونگذار در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹ با اصلاح ماده ۳۷ در خصوص تخفیف مجازات حبس با اتخاذ سیاست «تعدیل در تعیین کیفر حبس» باب جدیدی را بگشاید. به گونه‌ای که با اتخاذ یک سیاست افتراقی مبتنی بر درجه بندی مجازات حبس تعزیری، در حبس‌های درجه چهار و بالاتر صرفاً امکان **تقلیل** یک تا سه درجه‌ای، در حبس‌های درجه پنج و شش امکان **تقلیل** به میزان یک تا دو درجه یا **تبدیل** آن به جزای نقدی متناسب با همان درجه و در مجازات حبس درجه هفت صرفاً **تبدیل** آن به جزای نقدی متناسب با همان درجه را مقرر ساخته است. همچنین علیرغم تحولاتی که در زمینه ضابطه مند سازی تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ ایجاد شده بود، اما در برخی موارد اعمال تخفیف منجر به تعیین حبس‌های کوتاه مدت (کمتر از سه ماه) شده و مشکل این نوع حبس‌ها که یکی از اهداف حبس‌زدایی عدم تجویز آن است همچنان باقی بود. به عنوان مثال اگر مجازات حبس درجه پنج طبق بند الف ماده ۳۷ با سه درجه تخفیف به حبس درجه هشت تقلیل می‌یافت، با عنایت به ممنوعیت ماده ۷۳ این قانون،<sup>۳</sup> امکان تبدیل به مجازات جایگزین وجود نداشت و اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه نیز بر تعیین حبس کمتر از نود و یک روز در مقام تخفیف صحه گذاشت.<sup>۴</sup> به همین دلیل برای رفع این مانع در اصلاحات موضوع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، قانونگذار با تبعیت از سیاست «محدودسازی قانونی تعیین مجازات

<sup>۱</sup> ماده ۲۲: دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد...

<sup>۲</sup> بند الف و ب ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳.

<sup>۳</sup> ماده ۷۳- در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.

<sup>۴</sup> نظریه شماره ۱۴۷ مورخ ۱۳/۰۸/۹۲.

حبس» مقرر داشت چنانچه در اجرای مقررات ماده ۳۷ اصلاحی یا سایر قوانین، حکم به کمتر از نود و یک روز حبس صادر شود، تکلیف دادگاه است که حبس را به مجازات جایگزین تبدیل کند.<sup>۱</sup>

به طور سنتی در پادشاهی متحده انگلستان بر اساس یک سنت قدیمی تنها به ذکر حداکثر مجازات قناعت می‌شود<sup>۲</sup>، (مهر، پیشین: ۸۸) با این حال قانونگذار انگلستان از اوایل دهه‌ی نود میلادی با تصویب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ و سپس در قوانین بعدی از جمله قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری در سال ۲۰۰۰ و قانون عدالت کیفری در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵، مبنای کیفر را در مرحله‌ی تقنین «سزاگرایی» با محوریت «اصل تناسب بین جرم و مجازات» قرار داده است و سپس با دادن اختیاراتی به دادگاه‌های کیفری و با ارائه‌ی رهنمودها و دستورالعمل‌هایی از سوی دادگاه‌های استیناف و شورای تعیین مجازات، آنها را مکلف نموده است که با توجه به تناسب صدمه‌ی وارده به قربانی جرم و میزان قابلیت سرزنش رفتار ارتكابی، اقدام به تعیین مجازات نمایند. (اسپراک، ۱۳۹۰: ۱۳۵) در انگلستان اصولاً حبس مجازاتی شدید محسوب می‌گردد و در نتیجه در قبال جرایم شدید قابل اعمال خواهد بود.<sup>۳</sup> تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱ در این راستا در قسمت a خود، اختیارات دادگاه جزا و

۱ تبصره ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری. ماده ۶۵- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. در حقوق فرانسه بر اساس بند اول ماده ۱۹- ۱۳۲ قانون آئین دادرسی این کشور، دادگاه نمی‌تواند حبس کمتر از یک ماه صادر نماید. این مقرر از قانون مجازات آلمان الهام گرفته است که از مدت‌ها پیش، امکان صدور حبس کمتر از یک ماه را منع کرده بود. بر اساس قانون مذکور، حبس کمتر از شش ماه نیز، استثناً محسوب می‌شد. پیش از این، چنین سقف حداقل در حقوق فرانسه وجود نداشت. (Frinchaboy, 2019: 198).

<sup>۲</sup> به نظر تهیه‌کنندگان قانون مجازات جدید فرانسه نیز تعیین مجازات میان حداقل و حداکثر لازم نبود. چرا که اعمال حداقل مجازات لازم‌الرعایه نبود. لذا «سیاست حذف حداقل مجازات» در این کشور اعمال شد. (استفانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۷۵۹)

همچنین هر چند در مورد مجازات حبس جنایی، قانونگذار فرانسوی به گونه‌ای از «سیاست حذف حداقل مجازات» عدول کرده و با توجه به درجه اهمیت و شدت این جرایم حداقل مجازات حبس را تعیین نموده است، اما مقنن از استعمال اصطلاح «تخفیف مجازات» یا پایین آوردن مجازات به شدت خودداری کرده است و اصطلاحاتی از قبیل «مجازات کمتر» یا «مجازات حبس دیگری که از یک یا دو سال کمتر نباشد» را به کار برده است. علت آن است که تخفیف پائین آوردن مجازات از «حداقل» است و در اینجا حداقل مجازات وجود ندارد تا تخفیف داده شود (christien lazerge, 1993: 24)

<sup>۳</sup> قانونگذار فرانسوی نیز متن قانون مجازات را به گونه‌ای تنظیم نمود که کیفر حبس، آخرین تصمیم یا انتخاب قاضی تلقی گردد و نه اولین انتخاب. (Poncela, 2008: 4) همچنین در راستای الزام قاضی به توجیه کیفر حبس، ماده ۱-۴۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری که به مقررات سابق الحاق شده است و در آراء متعددی که دیوان عالی فرانسه در همین خصوص صادر نموده است، متذکر گردید که در امور جنحه‌ای، هر کیفر حبسی، باید با توجه به شدت عمل ارتكابی، شخصیت مرتکب و نیز وضعیت وی، توجیه گردد. (Maud Lena, 2017: 153) همچنین نظام در سال ۲۰۱۹، با اصلاحات عمیق نظام کیفرها، و در راستای معنی بخشیدن به مفهوم کیفر، ضمن ممنوع اعلام کردن حبس‌های کمتر از یک ماه، اعلام داشته حبس‌های بیش از یک ماه تا شش ماه، می‌توانند در محیط باز اجرا شوند و با این حال، اگر قاضی تصمیم به حبس در محیط بسته بگیرد، موظف است تصمیم خود را توجیه سازد.

دادگاه‌های صلح را در ارتباط با تعیین یک مجازات سالب آزادی، به موردی محدود می‌کند که: (جرم ارتكابی، یا ترکیبی از جرم و یک جرم دیگر همراه آن، آنچنان «شدید» بوده که تنها چنین مجازاتی برای جرم بتواند توجیه شود...)

تبصره‌ی 2 ماده‌ی 152 قانون عدالت کیفری 2003 نیز مضمونی به همین عبارت دارد. ماده‌ی 76 قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری 2000 برای تعیین مجازات حبس یکی از دو توجیه ذیل را لازم می‌شمارد:

۱- جرم آنچنان شدید باشد که تنها با مجازات حبس توجیه شود؛

۲- جرم، از نوع خشن یا جنسی باشد و تنها، مجازات حبس برای صیانت جامعه از خطرات احتمالی مجرم مناسب باشد.

همانطور که دیده می‌شود در حقوق انگلستان برای برقراری تناسب بین جرم و مجازات حبس به عنوان مجازاتی شدید، از حلقه‌ی واسطه‌ای به نام «شدت جرم» استفاده شده است و در تعیین این مجازات برای جرایم شدید «حمایت از عموم» نیز مدنظر قرار گرفته است. (توجهی- ابراهیم وند، ۱۳۹۶: ۵۴)

با این توضیح از آنجائیکه در حقوق کیفری انگلستان «سیاست تعدیل حبس‌گرایی» به رسمیت شناخته شده است و به دنبال معیاری برای تشخیص «شدت جرم» هستند، نقش نهاد «تخفیف مجازات» به منظور محدودسازی قانون تعیین مجازات حبس در احراز «شدت جرم» در این کشور موثر است. و بعضا معیارهایی برای این موضوع پیشنهاد می‌شود که انتقاداتی را نیز به دنبال دارد. دادگاه استیناف به طور ابتدایی و قاضی ارشد لاوتون معیار «فهم اعضای درست اندیش جامعه» را پیشنهاد کردند (Ashworth, op.cit, p. 272) چرا که جرمی شدید است که هنگام ارتکاب توسط یک شخص، اعضای درست اندیش جامعه را وادار کند تا احساس کنند که با صدور هرگونه مجازاتی به جز مجازات سالب آزادی، عدالت محقق نخواهد شد. (Wasik M & Taylor, 1991: 18) از آنجائیکه این معیار، شیوه و وسیله‌ای برای تعیین و پی بردن به دیدگاه‌های اعضای درست اندیش جامعه ارائه نمی‌داد، تصمیمات رهنمودی پیش از سال 1991 گرایش به بررسی شدت جرم در پرتو «طیفی از عوامل مشدده و مخففه» داشتند. در همین زمینه قاضی ارشد «لرد بینگهام» با این استدلال که مرز روشن و مشخصی با این معیار برای تشخیص نقطه‌ی فاصل بین مجازات‌های سالب آزادی و غیرسالب آزادی وجود ندارد، پیشنهاد کرد که دادگاه‌ها اوضاع واحوال «مشدده و مخففه» ارتکاب جرم (چون ارتکاب جرم با نقشه‌ی پیشین، تحریک، محکومیت‌های پیشینی، دفاع قبول مجرمیت و...) را در ارزیابی و سنجش شدت جرایم مدنظر قرار دهند.

<sup>1</sup> Lord Bingham CJ.

402: sprack, 2018) شورای رهنمودهای تعیین مجازات در جستجوی هدف تبصره‌ی 2 ماده‌ی 152 قانون عدالت کیفری 2003 نیز بر اجتناب از حبس گرائی قانونی در پرتو تخفیف شخصی تاکید می‌کند. (Ashworth, op.cit, pp. 272-273)

بنابر این همان طور که ملاحظه می‌شود «نهاد تخفیف مجازات» در این کشور می‌تواند نقش پویایی در «تعدیل حبس گرائی» از طریق «محدودسازی قانون تعیین مجازات حبس» با کمک به تشخیص «شدت یا عدم شدت جرم» و در نتیجه اجتناب از تعیین مجازات زندان به عنوان شدیدترین مجازات در انگلستان ایفا کند و زمانی که دادگاه شدت جرم را مورد بررسی قرار می‌دهد باید تمام اطلاعات قابل استفاده راجع به اوضاع و احوال جرم که شامل همه «عوامل مخففه و مشدده» است را مورد توجه و محاسبه قرار دهد.

از طرفی در حقوق انگلستان علاوه بر معیار «شدت جرم» «ضرورت حمایت از عموم» نیز معیار دیگری است که در مرحله قانونگذاری برای تعیین مجازات حبس در نظر گرفته شده است. مقررات (b) 793 قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری 2000 در این زمینه مقرر می‌دارد: «زمانی که جرم ارتكابی یک جرم خشن یا جرم جنسی است و تنها چنین مجازاتی (حبس) برای حمایت از عموم متناسب خواهد بود...» یا در ماده b (2) 80 نیز مقررات مشابهی مقرر گردیده که دادگاه را قادر می‌سازد حمایت از عموم را در تعیین مدت مجازات حبس مورد توجه قرار دهد. در اینجا نیز وجود «عوامل مخففه» در ارتباط با معیار «لزوم حمایت از عموم» باعث خواهند شد که استفاده از کیفر سالب آزادی همیشه موجه نباشد. همچنانکه در پرونده‌ی کوکس در سال 1993 مطرح شد، حتی اگر جرم آنچنان باشد که از آستانه‌ی مجازات حبس گذشته باشد، نهاد تخفیف مجازات به عنوان عاملی به منظور محدودسازی قانونی با توجه به عواملی مانند اقرار به مجرمیت، همکاری با پلیس، شخصیت مجرم و جوانی، می‌تواند مجرم را از مجازات حبس رها سازد. (توجهی - ابراهیم وند، 1396: 73) همچنین ماده (1) 166 قانون عدالت کیفری شامل موضوعاتی غیر از شدت جرم ارتكابی است که ممکن است دادگاه بخواهد آن را در اصدار حکم حبس و یا مدت آن یا اصدار حتی مجازات اجتماعی در نظر بگیرد. این ماده صرفاً توجه به عوامل مخففه را تجویز می‌کند و به دادگاه این اختیار را می‌دهد که این عوامل را در صورت تمایل مورد توجه و احتساب قرار دهد. مطابق با این اختیار اعطاء شده، این نکته نیز پذیرفته شده است که دادگاه‌ها می‌توانند همچنان به در نظر گرفتن عوامل مختلف مرتبط با شرایط و اوضاع و احوال فردی بزهکار که پیش از این مورد توجه محاکم بوده است، ادامه دهند. به علاوه عدم مبادرت به این امر، بدون تردید مبنای مناسبی برای تجدید نظر خواهی در این پرونده‌ها محسوب خواهد شد. (sprack, op.cit, p 415) در حقیقت در انگلستان سازو کارهای اداری سیاست کیفری باعث افزایش توجه به رویکردهای غیر سالب آزادی شد. و در محافل بین المللی نیز بر اتخاذ رویکردهای جایگزین حبس اصرار کرده بود. (Bochel, 2015, p32) همچنین با توجه به ادله موجود در این کشور که حاکی از آن بود درصد بالایی

از جمعیت کیفری زندان، بزهکاران ناتوان مالی هستند، نهادهای عدالت کیفری از جمله نهاد تخفیف مجازات درصدد کاهش استفاده از حبس‌های کوتاه مدت برآمدند. به همین جهت راه‌هایی چون عدم توسل به حبس‌های کوتاه مدت در صورت ناتوانی مالی در این کشور مطرح شد. (Rutherford, 2013, p.124)

بنابراین در حقوق انگلستان نهاد تخفیف مجازات می‌تواند با ارائه معیارهایی به منظور تشخیص «شدت جرم» و «ضرورت حمایت از عموم» از یک طرف و توجه به عوامل مخففه از طرف دیگر یا به عبارتی با تبیین ماهیت جرم و ویژگی‌های مجرم در کارکرد محدودسازی قانونی تعیین مجازات حبس موثر باشد. به گونه‌ای که عدم توجه به به آن می‌تواند موجبات تجدیدنظر خواهی از دادنامه صادره را نیز فراهم نماید. ضمن اینکه با توجه به انتقاداتی که در خصوص حبس‌های کوتاه مدت در این کشور مطرح است، در کاهش به کارگیری این نوع حبس‌ها نیز تاثیر گذار است. لذا اثر کلی این مقررات ایجاد سلسله مراتب در طیف مجازات‌ها به ویژه مجازات حبس است تا محاکم با مد نظر قرار دادن آن نسبت به تعیین مجازات حبس یا تدبیر جایگزین آن اقدام نمایند.

### ۳-۲- کارکرد نهاد تخفیف مجازات در محدودسازی قضائی تعیین مجازات حبس

باید توجه داشت یکی از عواملی که باعث ظهور و بروز بیش از پیش مجازات حبس در ایران شده است، گرایش بیش از حد قضات به اعمال مجازات حبس است. حتی در مواردی که مجازات‌های بدیل نظیر جزای نقدی با شلاق وجود دارد. در اینکه مجازات حبس در خصوص برخی جرایم مهم، مفید و ضروری بوده و وجهه شرعی نیز دارد تردیدی نیست، اما معایب کثیر زندان و هم چنین، عدم تأمین هدف اصلاحی از آن، دست اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا استفاده از این مجازات را تا حد امکان محدود نمایند. (میرخلیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹) از این رو از جمله کارکردهایی که می‌توان برای نهاد تخفیف مجازات در نظر گرفت نقش «محدودسازی قضائی» است که می‌تواند در تعیین مجازات حبس داشته باشد. به گونه‌ای که اختیارات مقام قضائی را در تعیین بی حد و حصر و یکسان مجازات حبس محدود سازد. از این رو هرچند اعمال تخفیف از جمله اختیارات مقام قضائی است،<sup>۱</sup> و سیاست قانونگذار در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مبتنی بر ضابطه مند سازی حدود تخفیف بود، اما خلاء مهم این قانون، عدم تبیین سازوکاری به منظور نظارت بر اعمال «اختیار قضائی» تخفیف مجازات در راستای حبس‌زدایی بود که در تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نیز به این مهم

<sup>۱</sup> در خصوص دیدگاه مخالف که برخورداری از تخفیف مجازات را حق مرتکب و تکلیف مقام قضائی می‌داند، رک به علیزاده طباطبائی، سید محمود، ۱۳۹۳، «تخفیف مجازات، تکلیف یا اختیار؟» روزنامه شرق، شماره ۲۰۳۳. و رحیمی نژاد، اسمعیل، ۱۳۹۱، تصمیم دادگاه حق یا تکلیف، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره چهارم.

توجهی نشده است و شایسته بود قانونگذار برای پرهیز از غفلت احتمالی مقام قضایی که ممکن است علیرغم وجود جهات تخفیف از اعمال آن خودداری کند، همان طوری که دادگاه را برای صدور حکم به مجازات حبس بیش از حداقل مقرر در قانون، به لزوم ذکر جهات این تصمیم ملزم کرده است<sup>۱</sup>، این الزام را برای توجه به جهات تخفیف مجازات نیز در نظر بگیرد و دادگاه را مکلف کند در تصمیم خود قید نماید که اگر با وجود جهات تخفیف از اعمال آن (کاستن از حداقل مجازات قانونی حبس یا تبدیل آن) خودداری ورزیده، هر چند حداقل مجازات حبس را در نظر گرفته است، مبتنی بر چه دلایلی بوده است. مانند اینکه اگر متهم موفق شده رضایت شاکی را به دست آورد، در اثر تطمیع یا تهدید او بوده یا اینکه مرتکب سابقه دار بوده است. بدیهی است وجود چنین سازکاری با اهداف حبس زدایی از طریق اعمال نهاد تخفیف که مبتنی بر توسعه اختیارات قضایی و ضابطه مند سازی آن همراه با پیش بینی محدود سازی قضائی تعیین مجازات حبس است نیز همخوانی دارد.

سوال مهم دیگری که در اینجا مطرح می‌گردد این است که طبق ماده ۳۷ اصلاحی (به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) آیا در مقام تخفیف قاضی مجاز به تبدیل سایر مجازات‌های تعزیری (غیر از حبس، مصادره کل اموال و انفصال از خدمت که در بندها الف تا ت آمده است) به حبس می‌باشد؟ برخی از صاحب نظران تا پیش از اصلاحات سال ۹۹ ماده ۳۷، به این پرسش پاسخ منفی می‌دادند. با این استدلال که مقنن سیاستش نسبت به حبس جداسست و به عنوان مثال نمی‌توان شلاق درجه شش را به جزای نقدی درجه هفت تبدیل کنیم. چون عبارت «...از همان نوع یا انواع دیگر» مندرج در بند «ت» ماده ۳۷ یعنی در مورد سایر مجازات‌های تعزیری در مقام تقلیل باید از همان جنس مجازاتی که از درجه آن کاسته می‌شود تعیین گردد و منظور از «انواع دیگر» مجازاتی غیر از حبس است و نمی‌توانیم شلاق یا جزای نقدی را به حبس تبدیل کنیم. (توجهی، ۱۳۹۸: ۱۷) اگر این استدلال را در خصوص عدم امکان تبدیل سایر مجازات‌ها به حبس با توجه به تفسیر عبارت «انواع دیگر» بپذیریم، شاید در خصوص بند ث ماده ۳۷ اصلاحی که این عبارت حذف شده است،<sup>۲</sup> دیگر به راحتی نتوان به پرسش مذکور پاسخ منفی داد. ضمن اینکه تکلیف مندرج در صدر ماده ۳۷ راجع به اعمال تخفیف به گونه‌ای که «به حال متهم مناسب‌تر باشد» نیز این برداشت را تقویت می‌کند. چرا که مقام قضائی ممکن است به این نتیجه برسد که به عنوان مثال مجازات حبس مناسب‌تر از شلاق یا جزای نقدی است و تکلیف به رعایت تناسب مجازات با وضعیت متهم و اطلاق «بند ث» را نیز جواز این تصمیم بدانند. از طرفی مهم تریم چالش و

<sup>۱</sup> به موجب ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری عدم رعایت این تکلیف از طرف دادگاه موجب مجازات انتظامی درجه چهار است.

<sup>۲</sup> ...ث- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛

ابهام در این مورد ناظر بر این است که از نظر مقنن اصلاً «درجه» ملاک شدت و ضعف مجازات‌ها نسبت بهم است یا «کیفیت و ماهیت» مجازات؟ حبس درجه ۶ شدیدتر است یا شلاق درجه ۷؟ اگر ملاک درجه باشد، حبس درجه ۶ شدیدتر است و اگر ملاک ماهیت باشد قطعاً مجازات بدنی شدیدتر است این ابهامی است که در نردبان ماده ۱۹ وجود دارد! و شایسته بود قانونگذار از این موارد ابهام‌زدایی می‌نمود.<sup>۱</sup> هر چند روح حاکم بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری کاستن از تعیین مجازات حبس با توسل به تخفیف مجازات در مقام کیفر‌گزینی از طریق سیاست «محدودسازی قضائی تعیین مجازات حبس» است، اما سکوت قانونگذار در این زمینه چه در زمان حاکمیت ماده ۳۷ سابق و چه در ماده ۳۷ اصلاحی بر این ابهام دامن می‌زند و جا داشت قانونگذار صراحتاً در این خصوص تعیین تکلیف می‌کرد.

همچنین یکی از محورهای تحولات قانون اخیر در راستای حبس‌زدایی، عدول قانونگذار از «ضابطه مند سازی تخفیف در فرض تعدد و تکرار جرم» و شمول سیاست کلی حاکم بر تخفیف مجازات مندرج در مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) بر این موارد است. اما نتیجه‌ای که از مقایسه این رویکرد با سیاست قانونگذار سال ۱۳۹۲ «در تخفیف در فرض تعدد و تکرار جرم» به دست می‌آید آن است که به عنوان مثال اگر فردی مرتکب جرمی شده باشد که مجازات قانونی آن سه تا ده سال حبس است و مشمول مقررات تکرار جرم باشد، طبق ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از ده سال (خود ده سال) تا پانزده سال به عنوان تشدید مجازات حبس قابل اعمال بود و در صورت برخورداری از جهات تخفیف وفق بند الف ماده ۱۳۹ بین شش و نیم سال حبس تا کمتر از ده سال حبس را به عنوان تخفیف می‌توانستیم اعمال کنیم. با تحولات صورت گرفته به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در فرض پیش گفته شده وفق ماده ۱۳ آن قانون<sup>۲</sup> در فرض تشدید حداقل مجازات از سه سال حبس به شش و نیم سال حبس الزاماً بایستی افزایش یابد و دادگاه مخیر است تا دوازده و نیم سال حبس نیز حکم دهد. در این صورت اگر جرم ارتكابی مشمول تخفیف باشد هر یک از این محکومیت‌ها (شش و نیم سال یا دوازده و نیم سال حبس اگر در مقام کیفردهی مورد حکم قرار گرفته باشد) مستقلاً می‌تواند مورد تخفیف واقع شوند که وفق بند الف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی به موجب ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) اگر سه درجه تخفیف

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: آشوری، علی اصغر و علی ترابی پور، درجه بندی مجازات‌های تعزیری؛ (چالش‌ها و راه کارها)، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ دوم، ۱۳۹۹، ص ۲۳ به بعد.

<sup>۲</sup> ماده ۱۳- ماده (۱۳۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:  
ماده ۱۳۷- هرکس به‌علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن محکوم کند.



برای شش و نیم سال حبس در نظر گرفته شود، از نود و یک روز تا شش ماه حبس (حبس درجه هفت) قابل تعیین است و اگر برای دوازده و نیم سال حبس در نظر گرفته شود این میزان حبس از شش ماه تا دو سال (حبس درجه شش) خواهد بود. یعنی دامنه تخفیف مجازات حبس در نتیجه تغییر سیاست قانونگذار از شش و نیم سال تا کمتر از ده سال حبس، ناگهان به نود و یک روز حبس تا دو سال حبس تقلیل یافته است! در این فرض ممکن است این ابهام مطرح شود که چون برای اعمال تخفیف، مجازات قانونی ملاک است نه مجازات مورد تصمیم مقام قضائی، بنابراین در بهترین وضعیت چون مجازات قانونی جرم مورد نظر درجه ۴ است با اعمال بند اول ماده ۳۷ تا سه درجه قابل تقلیل است و در بدترین وضعیت با اعمال ماده ۱۳۷ بالاترین حبس قابل اعمال دوازده و نیم سال است و در نتیجه ماده ۱۳۹ فعلی ناظر بر تخفیف مجازات قانونی است و نه قضائی. در پاسخ می‌توان گفت اولاً در اعمال تخفیف مجازات با دو فرض کلی مواجه هستیم. فرض نخست تخفیف مجازات بدون وجود حالت تعدد یا تکرار جرم است و فرض دوم تخفیف مجازات با وجود حالت تعدد یا تکرار جرم. در حالت نخست ملاک تخفیف، مجازات قانونی جرم ارتكابی است. منتهی در حالت دوم چون با وجود تعدد یا تکرار جرم ابتدا ممکن است مجازات تشدید، شود، در اینجا هر چند ملاک میزان تخفیف مجازات همچنان مجازات قانونی جرم بر حسب ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی است، اما مجازاتی که عملاً در مقام تخفیف مورد بازنگری قرار می‌گیرد مجازات قضائی مشدد مورد حکم می‌باشد. ثانیاً آنچه از مقایسه دو نوع سیاست جنایی تقنینی (سال ۹۲ و ۹۹) در ارتباط با مجازات حبس به دست می‌آید اثر عملی اعمال این سیاست هاست که مطابق سیاست «ضابطه مندسازی» سال ۹۲، قانونگذار در راستای اصل تناسب بین جرم و مجازات و تفریدی سازی آن، تفکیک نحوه تخفیف مجازات بین مجرم فاقد پیشینه کیفری از مجرم دارای حالت تکرار و تعدد را دنبال می‌نمود، در حالیکه در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری سال ۹۹ با پیروی از سیاست «حبس زدایی»، از «ضابطه مند سازی» تخفیف مجازات به نفع ضرورت کاهش جمعیت کیفری عدول کرده است و کاهش میزان مجازات حبس اعمال شده در فرض توأمان بودن تشدید و تخفیف مجازات نتیجه این تغییر رویکرد است.

بر این عدم تعادل در کیفردهی زمانی بیشتر افزوده خواهد شد که فردی که برای نخستین بار مرتکب جرمی شده که مجازات قانونی وی سه تا ده سال حبس است، قاضی می‌تواند از اختیار ماده ۳۷ استفاده کند و یک درجه تخفیف را اعمال کند و یا اصلاً تخفیف ندهد و برای تکرار کننده این جرم می‌تواند سه درجه تخفیف در نظر بگیرد و عملاً کسی که اولین بار مرتکب این جرم شده است از تکرار کننده این جرم بیشتر مجازات می‌شود!! بدیهی است این نوع سیاست گذاری نه با «اصل تناسب بین جرم با مجرم» با هدف تشدید مجازات برای مرتکبین دارای حالت خطرناک هم خوانی دارد نه با «اصل فردی سازی کیفر» و نه با سیاست «محدودسازی قضائی تعیین مجازات حبس» چرا که حق مرتکب دارای حالت تعدد یا تکرار جرم با فردی که برای نخستین بار مرتکب جرم شده است در برخورداری از مراتب

تخفیف یکسان در نظر گرفته شده است و به نوعی قانونگذار دوباره به سیاست «افراط در تخفیف» قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ البته این بار در فرض توامان بودن تشدید و تخفیف بازگشته است.<sup>۱</sup> لذا به نظر می‌رسد موضع قانونگذار سال ۱۳۹۲ مبنی بر مقرر داشتن «ضوابط خاص تخفیف در فرض تشدید مجازات» مناسب‌تر بوده و با منطق سیاست کیفری حاکم بر فرض توامان بودن تشدید و تخفیف مجازات نیز هم خوانی داشت.<sup>۲</sup>

از طرفی در حقوق انگلستان در راستای «سیاست محدودسازی قضائی تعیین مجازات حبس» با توسل به نهاد تخفیف مجازات، علاوه بر دو معیار «شدت جرم» و «لزوم حمایت از عموم» که در مرحله قانونگذاری برای تعیین مجازات حبس در نظر گرفته شده است، در مرحله قضا یا همان «کیفردهی» این دو معیار در «اصل به کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک» رخ می‌نماید. چرا که شدت جرم و ضرورت حمایت از عموم توسط قانونگذار به صورت نسبی تعیین می‌شود و تکمیل این نسبییت و تبدیل آن به قطعیت توسط قاضی انجام می‌گیرد. قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ مقررات خاصی برای ارزیابی خطرناکی بزهکاران ارائه داده است. در این خصوص قسمت b از تبصره ۱ ماده ۲۲۹ مقرر میدارد: «هنگام بررسی اینکه آیا دادگاه میتواند به موجب مقررات ویژه بزهکاران خطرناک مجازاتی را تحمیل کند یا نه دادگاه بایستی در ابتدا تصمیم بگیرد که آیا خطری نسبت به اعضای جامعه به خاطر آسیب شدید حاصل از ارتکاب دوباره‌ی جرایم مشخص و تصریح شده از طرف بزهکار وجود دارد یا نه؟» ضمن اینکه الزام دادگاه‌ها به اخذ گزارش پیش از مجازات در خصوص بررسی احتمال خطرناکی متهم نیز وجود دارد.<sup>۳</sup> به طور کلی در بررسی خطرناک بودن یا نبودن بزهکار، دادگاه:

«- ملزم است تمامی اطلاعات در ارتباط با ماهیت و اوضاع و احوال جرم را مدنظر قرار دهد؛<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> درحالی‌که در قوانین مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ قانونگذار از حیث امکان برخورداری از نهاد تخفیف در فرض وجود سابقه «تکرار» یا «تعدد جرم» و یا عدم وجود این سابقه سیاست افتراقی را برگزیده بود؛ در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ امکان اعمال تخفیف مجازات در فرض تعدد جرم همانند حالتی که سابقه ارتکاب جرم وجود نداشت را پیش‌بینی کرده ولی در فرض تکرار جرم قانون ساکت بود که همین امر موجب بروز بحث‌هایی در خصوص امکان یا عدم امکان اعمال تخفیف در فرض «تکرار جرم» در زمان حاکمیت این قوانین شده بود. (جمالو، ۱۳۹۶: ۱۰۷)

<sup>۲</sup> سکوت قانونگذار در مورد شمول یا عدم شمول مقررات تخفیف مجازات بر حبس شرعی جرایمی چون اکراه یا امساک در قتل که از مصادیق تعزیرات منصوص شرعی است (توجهی، ۱۳۹۶: ۷۰) نیز از جمله انتقادات وارد بر قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ بود که در اصلاحات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به این مسئله توجه نشده است.

<sup>۳</sup> Dangerous Offenders, Guide For Sentences and Practitioners, Sentencing Guidelines Council, Version; July 2008, p 15

<sup>۴</sup> Criminal Justice Act 2003, S 229 (2)(a)

- می‌تواند تمامی اطلاعات در ارتباط با ماهیت و احوال هر جرم دیگری که بزهکار برای آن در هر کجای جهان محکوم شده است را مورد توجه قرار دهد؛<sup>۱</sup>
- می‌تواند هرگونه اطلاعاتی راجع به شیوه‌ی رفتاری<sup>۲</sup> که جرم بخشی از آن را تشکیل داده مورد توجه قرار دهد؛
- می‌تواند هرگونه اطلاعاتی را در ارتباط با بزهکار مورد توجه قرار دهد.<sup>۳</sup>

بنابراین در مرحله (کیفردهی) یا همان «تعیین قضائی مجازات حبس» نیز توجه به «نهاد تخفیف مجازات» در عدم تعیین مجازات حبس از طریق محدود سازی قضائی نقش تعیین کننده‌ای دارد. چرا که بزهکاری که قرار است مجازات حبس در خصوص او با رعایت اصل «به کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک» اعمال شود، برخورداری وی از جهات مخففه و در نتیجه اعمال تخفیف مجازات، می‌تواند به این نتیجه منجر شود که تعیین این مجازات متناسب با وضعیت بزهکار نیست. به عبارت دیگر اصل «استفاده محدود از کیفر سالب آزادی» در این کشور تنها در صورت اجتماع سه شرط «شدید بودن جرم» «حمایت و حفاظت از عموم» و «خطرناک بودن مجرم» مجوز توسل به کیفر سالب آزادی را صادر می‌کند و نهاد تخفیف مجازات موجب «محدودسازی قانونی و قضایی» در تعیین و اعمال مجازات حبس می‌شود.

### نتیجه گیری

پس از آنکه در نتیجه تاثیر مطالعات جرم شناختی و کیفرشناختی، تحولات حقوق کیفری به گزینش مجازات زندان به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین مجازات در زرادخانه حقوق کیفری روی آورد و آغاز رویای حقوق کیفری اصلاح مدار را نوید می‌داد، گسترش استفاده از این مجازات در طول زمان به همراه آسیب‌ها و آثار سوء آن توجه جرم شناسان و کیفر شناسان را به خود جلب کرد و تولد زندان گرایی، سیاست‌های «حبس زدایی» و منع از «حبس گرایی» را نیز به دنبال داشت. هر چند که مبنای نهاد «تخفیف مجازات» را همچون سایر نهادهای ارفاقی اندیشه‌های مکاتبی چون دفاع اجتماعی و اصل فردی کردن مجازات تشکیل می‌دهد، اما این موضوع مجوزی برای تخطی از اصل «متناسب سازی جرم با مجازات» نمی‌باشد و رویکرد جدید سیاست جنایی نیز به دنبال توامان سازی جاری ساختن هر دو اصل در فرآیند عدالت کیفری است. در ایران نهاد تخفیف مجازات در راستای «حبس زدایی» و به موجب تحولات صورت گرفته در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹، از طریق دو سیاست

<sup>1</sup> Criminal Justice Act 2003, S 229 (2)(aa)

<sup>2</sup> Any pattern of behavior of wich the offence is part. See criminal Justice Act 2003, S 229-(2)(b)

<sup>3</sup> Criminal Justice Act 2003, S 229 (2)(c)

محدود سازی « قانونی » و « قضائی » اعمال مجازات حبس، کارکرد کاهش جمعیت کیفری زندان را دنبال می‌کند. در حالیکه در انگلستان از آنجائیکه مجازات حبس اصولاً به عنوان مجازات شدیدی محسوب می‌شود، و سیاست جنایی آن به گونه‌ای عمل می‌کند که بتواند بین دو مقوله «افزایش جمعیت کیفری - پیشگیری از جرم» تعادل برقرار نماید، این سیاست مبتنی بر ضابطه مندسازی « قانونگذاری و کیفردهی » در تعیین مجازات حبس است و در این مسیر کارکرد « نهاد تخفیف مجازات »، در مرحله «محدود سازی قانونی» با تاثیر گذاری بر تعیین «شدت جرایم» و «ضرورت حمایت از عموم» و در مرحله «محدود سازی قضائی» در احراز «حالت خطرناک» به دنبال جلوگیری از «حبس گرای» است. لذا در حالیکه به نظر می‌رسد بیشتر تحولات صورت گرفته در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ در زمینه «محدودسازی قانونی» تعیین مجازات حبس از طریق توسعه «جلوه‌های تخفیف» و «منع از تعیین حبس‌های کوتاه مدت» رخ می‌نماید، این نهاد در راستای محدودسازی قضائی تعیین مجازات حبس با چالش‌های «عدم تعیین سازکار نظارت بر اعمال اختیارات قضائی»، «ابهام در امکان یا عدم امکان تبدیل سایر مجازات‌های تعزیری به حبس در مقام تخفیف مجازات» و «عدول از ضابطه مند سازی تخفیف در فرض تعدد و تکرار جرم» مواجه است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد ضابطه مندی تعیین کیفر سالب آزادی در حقوق کیفری انگلستان در مقایسه با حقوق کیفری ایران، در دو مرحله تقنینی و قضائی شکل منسجم تری به خود گرفته است. تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری انعکاسی از معضلی به نام ازدیاد جمعیت کیفری زندان در ایران است که قانونگذار سعی کرده در این قانون با تدابیری چون تحول در نهاد تخفیف مجازات، جمعیت کیفری زندان را مدیریت کند. اما بایستی توجه داشت بدون وقوف بر علل اصلی ازدیاد جمعیت کیفری زندان که ریشه در بحران‌های اجتماعی و اقتصادی دارد، صرف به کارگیری نهادهای کیفری نمی‌تواند چاره ساز باشد. بلکه بالعکس قانونگذاری‌های شتابزده و تحولات پی در پی علاوه بر اینکه در رسیدن به اهدافی چون کاهش جمعیت کیفری موفق نخواهد بود، خود مشکل آفرین نیز خواهد شد. ثمره نداشتن ارزیابی مناسب از نتایج اجرائی شدن قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ که زمان زیادی از اجرائی شدن آن نمی‌گذرد در کنار عدم درک صحیح از علل افزایش جمعیت کیفری زندان، مظاهری از افراط و تفریط در تحولات قانونی نهادهایی که به زعم قانونگذار در کاهش جمعیت کیفری زندان می‌تواند کاربرد داشته باشد را سبب می‌شود. غافل از اینکه این نوع سیاست گذاری که در مواردی به قیمت چشم پوشی از اصول مسلم حقوق کیفری نیز تمام می‌شود، بحران سردرگمی سیاست جنایی تقنینی ایران را بیشتر خواهد کرد. چنانچه گفتمان «حبس زدایی» که مدتی است در ادبیات سیاست جنایی ایران پررنگ شده است، مبتنی بر یافته‌های جرم شناسی و کیفر شناختی باشد و در اثر این مطالعات لزوم تغییر و تحول در مقررات حقوق کیفری مسلم شود در آن صورت می‌توان به نقش آفرینی موثر آن امید داشت. در شرایط کنونی با عنایت به مقایسه تطبیقی صورت گرفته بین دو الگوی « کاهش اعمال مجازات حبس تعزیری» در ایران و «ضابطه مند سازی

اعمال مجازات حبس» در انگلستان پیشنهاد می‌گردد: اولاً ابهاماتی که در ارتباط با مقررات نهاد تخفیف مجازات وجود دارد با بازگری در قانون مرتفع شود، ثانیاً عدم تحمیل وظایفی که مضاعف بر ماهیت حقوق کیفری است به عنوان یک اصل اساسی در سیاست جنایی تقنینی مورد توجه قانونگذاران واقع شود، ثالثاً تعریف ضوابطی برای اعمال مجازات حبس توسط قانونگذار به جای ایجاد تغییرات پی در پی در نهادهای کیفری می‌تواند در کنترل حبس‌گرایی قانونی و قضائی که یکی از علل تورم جمعیت کیفری زندان است کارساز باشد، رابعاً با توجه به تجارب کشورهای چون انگلستان، در به کارگیری نهادهای ارفاقی «جلوگیری از افزایش جمعیت کیفری» و «حفظ کارکردهای بازدارنده حقوق کیفری» نیز به صورت توأمان دیده شود.

## منابع

### منابع فارسی:

کتاب‌ها:

- [۱] آشوری، محمد، «جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین»، تهران، انتشارات گرایش، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- [۲] آنسل، مارک، «دفاع اجتماعی»، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
- [۳] احمدزاده، رسول و مجتبی تام، «ملاحظات دربارہ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۹.
- [۴] استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بلوک، «حقوق جزای عمومی»، ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- [۵] توجهی، عبدالعلی، «آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲»، تهران، انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- [۶] دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، جلد پانزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- [۷] رضوی، محمد، «جرایم و مجازات نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح»، تهران، انتشارات هستی نما، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- [۸] ژان، پرادل، «تاریخ اندیشه‌های کیفری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۹.
- [۹] صانعی، پرویز، «حقوق جزای عمومی»، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- [۱۰] صادقی، ولی الله، «کیفرزدایی در ایران»، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- [۱۱] گیدنز، آنتونی، «جامعه شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

مقالات:

- [۱۲] الله وردی میگوئی، فرهاد، «هیچ چیز مؤثر نیست؟ اسطوره شکست رویکرد بازپروری مجرمان» فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
- [۱۳] آقائی نیا، حسین، «تخفیف مجازات سلطنت مطلق یا اختیار مقید»، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمدآشوری، چاپ اول، تهران، انتشارات علوم جنایی، ۱۳۸۳.
- [۱۴] اصغری، زهرا، «حبس‌زدایی و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، پلیس پیشگیری ناجا، سال ۱۰، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۳.
- [۱۵] اسپراک، جان، «چگونگی تعیین مجازات در دادگاه‌های انگلستان»، ترجمه: حجت سبزواری نژاد، نشریه تعالی حقوق، دادرسی عمومی و انقلاب تهران، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۰.
- [۱۶] توجهی، عبدالعلی و حسام ابراهیم‌وند، «کیفرگذاری و کیفردهی در حوزه سلب آزادی در حقوق ایران و انگلستان»، دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۷۷ و ۷۸، ۱۳۹۶.
- [۱۷] جوانفکر، عباس، «حبس‌زدایی ضرورتی ناگزیر»، ماهنامه اصلاح و تربیت، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، شماره ۴۷، ۱۳۸۴.
- [۱۸] رحیمی نژاد، اسمعیل، «تصمیم دادگاه حق یا تکلیف»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه تبریز، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۱.
- [۱۹] سبزواری نژاد، حجت، «جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره‌ی ۷۷ و ۷۸، ۱۳۹۶.
- [۲۰] عزیززاده طباطبائی، سید محمود، «تخفیف مجازات، تکلیف یا اختیار؟» روزنامه شرق، شماره ۲۰۳۳، ۱۳۹۳.
- [۲۱] غلامی، حسین، «تکرار جرم به عنوان حرفه مجرمانه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲، ۱۳۸۲.
- [۲۲] غلامی، حسین، «ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
- [۲۳] فلاحی، ابوالقاسم، «تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲»، مجله حقوقی دادگستری، قوه قضائیه، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۲، ۱۳۹۷.
- [۲۴] فرج‌اللهی، رضا «بررسی تحولات حقوق جزای فرانسه در قانون اخیر»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، قوه قضائیه، دوره ۶، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۳۷۵.
- [۲۵] کوشا، جعفر، شاملو، باقر، «نوآوری‌های قانون جزای جدید فرانسه» مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰-۱۹، ۱۳۷۶.
- [۲۶] مک‌شین، مارلین و فرانک ویلیامز، «پذیرش فرهنگ زندان» ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۷، ۱۳۸۱.

- [۲۷] معظمی، شهلا، «پیشگیری از تکرار جرم»، ماهنامه اصلاح و تربیت، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، شماره ۶۴، ۱۳۷۹.
- [۲۸] مهرا، نسرین، «نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز: سیاست‌ها و رویه»، نشریه فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال چهارم / شماره ۱۶ / ۱۳۸۷.
- [۲۹] مهرا، نسرین، «کیفر و چگونگی تعیین آن در فرآیند کیفری انگلستان (باتکیه بر کارکردهای کیفر)»، نشریه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۰، شماره ۴۵، ۱۳۸۶.
- [۳۰] مهرا نسرین و حسن رودسرابی، قضا زدایی پلیسی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان مبانی و جلوه‌ها، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹۶، ۱۴۰۰.
- [۳۱] میرخلیلی، سید محمود و تقی یعقوبی، «بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها»، مجله حقوقی راهبرد، پژوهشکده تحقیقات راهبردی (مجمع تشخیص مصلحت نظام) شماره ۸۲ سال ۲۹، ۱۳۹۱.

جزوات و پایان نامه‌ها:

- [۳۲] جاملو، فاطمه، تحولات تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، ۱۳۹۶.
- [۳۳] توجهی، عبدالعلی، تقریرات درس حقوق جزای عمومی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند، نیم سال دوم، ۱۳۹۷-۱۳۹۸.

### منابع لاتین:

- [34] Ashworth, Andrew, *criminal justice and deserved sentence*, Frome: punishment by: duff, antoney, great britian, Dartmouth. (2016)
- [35] Bagaric, *Mirkopunishment and Sentencing: A Rational Approach first published in great Britain*, Cavendish publishing limited London. (2017)
- [36] Bochel, D, *probation and After Car: Its Development in England and wales*, Scottish Academic press, Edinburgh, (2015).
- [37] Brownlee. I, *Community punishment: A Critical Introduction*, Wesley Longman, (2013).
- [38] christien lazerge *la partie general du nouveau codepenal francais*. Rev. Archive d e politeque criminelle mais, (1993).
- [39] "Dangerous Offenders" Guide For Sentences and Practitioners, Sentencing Guidelines Council", *Version*; July, (2008).
- [40] Dunbar, I. and Langdon, A. *Tough justice: Sentencing and penal policies in the 1990s*, Blackston, Langdon, (2011).
- [41] Goldson B. *penal Custody: Intolerance, Irrationality and Indifference in Goldson*, (2016).
- [42] Jenny Frinchaboy, " Le sens et l'efficacit  des peines dans la Loi de programmation (2018-2022) et de r forme pour la justice", *AJ P nal* 2019.
- [43] Home office. *Attitudes to crime and criminal justice: Finding*. (2000.)

- [44] James. A and Raine. J. *The new politics of criminal justice*. London. (1998)
- [45] Maud Lena, "Le traitement des infractions a la legislation sur les stupefiants "(I LS). *Aj penal*, (2017).
- [46] O. F. Robinson, *An Introduction to European Legal History*, Abingdon, England: Professional Books, (2013).
- [47] Reitz, Kenvin R, *sentencing, from: Crime and punishment*, By: Tonry, Michael, oxford university press. (2014) .
- [48] Rutledge.Cavendish lawcards Series, *English legal system*, London, (2019).
- [49] RutherFord, A and Morgan, R, *No More Prison Building*, Howard League for p enal Reform, London, (2013).
- [50] Sprack, John, *A practical Approach to Criminal Procedure*, New York, oxford u niversity press,(2018).
- [51] Tony, Michel *proportionality, parsimony and interchangeability oF punishmen t, from: A reder on punishment*, By *Duff, R,A, Garland,David*, New york, oxford university press, Eleventh publish. ,(2016)
- [52] P. Poncela (coord.), "La loi penitentiaire, Dossier special", *Gaz, Pal*, 17 et 18 oc t. (2008.)
- [53] Van Ness, Daniel W:" New Wine and Old Wineskins: four Challenges of Resto rative Justice", *Criminal Law forum*, 4, (CRIM.L.f.), (1993).
- [54] Wasik, M &Taylor R. D, "Blackstone's Guide to the CRIMINAL JUSTICE ACT", *Blackstone press*, limited., (1991).
- [55] Zimring,franklin E*Making punishment Fit the crime, from: Areader on punishm ent*, By *Duff, R.A, Garland,David*, New york, oxford university, Ninth publish., (2013).
- [56] [https://www.lemonde.fr/police-justice/article/2018/03/06/la-prison-en-dernier-recours-les-pistes-de-macron-pour-sa-refondation-penale\\_5266373\\_1653578.html](https://www.lemonde.fr/police-justice/article/2018/03/06/la-prison-en-dernier-recours-les-pistes-de-macron-pour-sa-refondation-penale_5266373_1653578.html)





# ***Release from prison policy in the light of the legal changes of the institution of mitigation of punishment in the law of reducing the punishment of taaziri imprisonment and its comparative comparison with the law of England***

***Alireza Imam Dadi\****

***Mohammad Ali Taheri\*\****

***Alireza Azizi\*\*\****

***Seyyed Hasan Hashemi\*\*\*\****

## ***Abstract***

Release from prison policy in the light of the legal changes of the institution of mitigation of punishment in the law of reducing the punishment of taaziri imprisonment and its comparative comparison with the law of England Following the imposition of imprisonment and the development of the policy of "Prisonerism" and the emergence of its harms, "Release from prison" was gradually included in the criminal policy program of countries and left effects that pay attention to the role of benevolent institutions such as "mitigation of punishment". The title is a tool for detente. It is such While the developments of Iran's criminal policy regarding the institution of mitigation of punishment as a tool to control the criminal population, regardless of the process of "Prisoneris in criminal legislation" with manifestations of extremism in the development or narrowing of the scope of crimes and the powers of the Judicial authority, The UK criminal law defines the dual policy of "reducing the criminal population - criminal prevention" and defining the criteria for determining imprisonment as the most severe punishment in this country.

## ***Key Words***

***Release from prison, Prisonerism, mitigation of punishment, Penalization.***

---

\* Doctoral student of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Birjand branch, Birjand, Iran. a65ed@yahoo.com

\*\* Ph.D. in criminal law and criminology, assistant professor of the law department of Islamic Azad University, Birjand branch, Birjand, Iran (corresponding author): mtaheri@birjand.ac.ir

\*\*\* Ph.D. in criminal law and criminology, assistant professor of the law department of Islamic Azad University, Birjand branch, Birjand, Iran. aazizi30@gmail.com

\*\*\*\* Ph.D. in criminal law and criminology, assistant professor of the law department of Islamic Azad University, Birjand branch, Birjand, Iran. hashemi600@yahoo.com